شهروندان گلستانی کلافه از قطعی آب

تداوم بحران بی آبی در گلستان به پاییز کشیده شده و شهروندان از قطع شدن مکرر آب در بعضی از ساعات شبانه روز کلافه اند ولی آب و فاضلاب شهری حاضر نیست به اعتراضات مردمی پاسخ دهد. به گزارش مهر، بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی آب منطقه ای گلستان پتانسیل منابع آب استان معادل دو میلیارد و ۴۸۵ میلیون متر مکعب است که دو میلیارد و ۹۴ میلیون متر مکعب آن در استان بهره برداری می شود. از مجموع منابع آبی گلستان حدود ۸۷ درصد آن به بخش کشاورزی، شیلات و محیط زیست و حدود ۱۰ درصد به بخش شرب و حدود سه درصد به بخش صنعت تخصیص داده شده است. به گفته مسئولان میانگین مصرف آب در استان در بخش شرب بین۲۲۰ تا ۲۴۰ لیتر در شبانه روز است و با سرانه مصرف جهانی فاصله زیادی دارد. در حالی که مسئولان و متولیان افزایش سرانه مصرف آب و برداشت های بی رویه از منابع آبی در کنار افزایش دما استان در سال های اخیر را دلیل اصلی بحران کم آبی در گلستان می دانند اما مردم معتقدند مدیریت منابع آبی و توزیع آن در گلستان حلقه مفقوده بحران بی آبی در استان است که به پاییز هم کشیده شده است. یکی از شهروندان گرگانی اظهار کرد: در بسیاری از ساعات شبانه روز در تابستان امسال با قطعی آب مواجه بودیم و امیدوار بودیم این قطعی میانگین مصرف آب در استان بین۲۲۰ تا ۲۴۰ لیتر در شبانه‌روز است با آغاز فصل پاییز و بارش باران های پاییزی هم قطع شود. ایمان اسماعیلی افزود: هم اکنون در برخی از نقاط شهر گرگان (چاله باغ، صیاد، گلها و گرگانجدید) شاهد قطعی چندین ساعته آب در شب ها هستیم. وی ادامه داد: هرچند این قطعی فقط مختص شهر گرگان نبوده و شهرهایی مانند فاضل آباد، علی آباد، آزادشهر و گنبدکاووس هم با قطعی چندین ساعته آب در شبانه روز مواجه بوده اند، اما به نظر می رسد منابع آبی استان و توزیع آن نیازمند یک مدیریت منسجم است. وی اضافه کرد: هم اکنون در بسیاری از آپارتمان ها پمپ وجود دارد و حجم قابل توجهی از آب در مخازن جمع آوری می شود ولی هیچ مدیریتی در حوزه مصرف و توزیع آب وجود ندارد.

آب و فاضلاب شهری گلستان پاسخگو نیست

اسماعیلی تصریح کرد: قطعی آب برای ساکنان برخی از نقاط شهر گرگان عادی شده و رسانه های گلستان هم کمتر به قطع شدن چندین ساعته آب در شهرهای استان پرداخته اند و بیشتر به کم آبی در روستاها توجه داشته اند. وی خاطرنشان کرد: متاسفانه آب شهری و سامانه تلفن گویای شرکت آب و فاضلاب استان پاسخگوی شهروندان نیست و هیچ مرجعی برای پاسخگویی در این حوزه وجود ندارد. در حالی که قطع شدن آب در ساعاتی از شبانه روز فقط مختص فصل تابستان نبوده و در حال حاضر هم ساکنان شهرک تالار، چاله باغ، پل سید مسعود، مینا گل، دخانیات، بلوار صیاد شیرازی، خیابان جام جم، کوی قلعه حسن، گلشهر، گرگانپارس و گرگانجدید از قطع آب شبانه کلافه هستند، آب و فاضلاب شهری گلستان نه تنها پاسخگوی شهروندان نیست بلکه به اصحاب رسانه هم پاسخ شفاف و روشنی نمی دهد تا جایی که سوال های ارسالی خبرنگار به روابط عمومی آبفا گلستان از ۱۲ شهریورماه تاکنون بی پاسخ مانده و مسئولان این حوزه حاضر به ارائه گزارش در این مورد نیستند. اما در عین حال قطعی آب در گلستان تنها مختص شهرها نبوده و بی آبی گریبانگیر روستاهای استان هم هست. معاون بهره برداری آب و فاضلاب روستایی گلستان معتقد است: خشکسالی، افزایش دما، برداشت بی رویه از چاه های مجاز و افزایش شالی کاری و فعالیت چاه های غیرمجاز در کنار چالش پراکندگی روستاها و نبود منابع تامین کافی، باعث شده در ۱۱۰ روستای گلستان با مشکل قطع آب و یا نوبت دهی آن مواجه باشیم.

مطالبات گلستان از استانداری هشتم

امروز استاندار هشتم معارفه می شود و به گونه ای رسمی سید مناف هاشمی به عنوان استاندار گلستان اغاز به کار خواهد کرد به این خطر یاد آوری مطالباتی که مردم از مدیر عالی استان انتظار توجه به آن را دارند بی فایده نخواهد بود ، علاوه بر آن نود و سه هزار شهروندی که در پروژه عظیم پتروشیمی گلستان سهیمند و بعد از گذشت چندین سال هنوز تکلیف انها مشخص نیست نیز می توانند از اصلی ترین اولویتهای استاندار جدید باشد که دارای فوریتی دوچندان است در کنار اینها عقب ماندگی مفرط در حوزه فرهنگ و هنر و بی برنامه بودن استان در حوزه اجتماع می طلبد که دکتر هاشمی توجه خود رابر توسعه متوازن و پایدار در گلستان معطوف نماید ، از جانب دیگر یکی از مهمترین خواسته های فعالان سیاسی و اجتماعی استفاده از شهروندان ترکمن در مدیریتهای کلان استان است زیرا ترکمنها سهم بسزایی در رای رییس جمهور در گلستان داشته اند و منطقی و عقلانی است که سهم آنها در قدرت لحاظ شود تا با پشت گرمی بیشتری در بدنه سیاسی اجتماعی فعال باشند. به هر روی عمده مطالبات شهروندان گلستان را که در نامه ستاد دکتر روحانی به رییس جمهور آمده است را باز نشر می کنیم تا از فرصت خدمت رسانی پیش آمده بیشترین بهره برده شود .

رئیس جمهور محترم
و محبوب جمهوری اسلامی ایران
جناب آقای دکتر روحانی
سلام‌علیکم

احتراما همانگونه که استحضار دارید مردم استان گلستان همپای سایر هموطنانشان در ایران اسلامی بار دیگر عزم و اراده خالصانه خویش را در حضور حماسی و شکوهمند ۲۹ اردیبهشت ۹۶ رقم زدند و با آگاهی و حضور ایمانی و اعتقادی خویش، انتخابی هوشمندانه داشته و ویژگی ها و فرهنگ بالای مردم سالاری دینی را نشان دادند.

همدلی، همگرایی و وحدت اقوام مختلف اعم از فارس، ترکمن، سیستانی، بلوچ و ... در استان که مهمترین نقطه قوت در تجلی وحدت ملی- اسلامی و توان مردمی می باشد سبب افزایش مشارکت (۷۸٫۵درصد) و اقبال کم سابقه به جنابعالی (۶۲درصد) در این انتخابات گردیده و علاوه بر تأیید جنابعالی و دولت محترم، بر صداقت، حسن نیت و تلاش های شبانه روزی و دستاوردهای ارزشمندتان در دولت یازدهم صحه گذاردند.

استان گلستان که به لحاظ تنوع اقلیمی و سرمایه های انسانی با تنوع اقوام، به حق نگارستان ایران نامیده شده و سرزمینی که در گذشته نه چندان دور به عنوان سرزمین طلای سفید نام گرفته بود، امروزه به علت عدم توجه در توسعه زیرساخت ها و عدم بکارگیری ظرفیت های انسانی توانمند و عدم استفاده از پتانسیل های بالقوه استان، متأسفانه از استان های کمتر برخوردار به شمار می رود که رتبه (۳۰) استان در درآمد سرانه مؤید این موضوع است.

اینک که حضور دوباره حضرتعالی امیدی تازه و نویدی به حق برای توسعه و پیشرفت و جبران عقب ماندگیها ایجاد نموده است اینجانب با عنایت به اطلاعات و تجربیات قبلی و فعالیت های انتخاباتی اخیر و تعاملات و دیدارهای استانی فرصتی یافته ام تا انتظارات، توقعات، مطالبات و خواسته های مردم را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، تولید، اشتغال، ارتقاء معیشت و رفاه عمومی در قالب اقدامات توسعه ای به شرح ذیل محضر حضرتعالی تقدیم و استدعای توجه ویژه داشته باشم.

امید آنکه با پاسخ به مطالبات و جبران عقب ماندگیها و اجرای اصل ۴۸ قانون اساسی، شاهد تحولات بزرگ و مناسب در استان باشیم.

اقدامات توسعه پیشنهادی:

۱. اقدامات فرهنگی، اجتماعی

از آنجاکه پایه و اساس هر توسعه ای نیروی انسانی کارآمد می باشد، لذا:

الف- تأکید بر توانمندی ها و شایستگی های نیروی انسانی در مدیریت ها و سلسله مراتب اداری بدون توجه به قومیت ها در سطوح ملی و استانی و بهره گیری از نیروهای توانمند و شایسته استان در سطح کشور.

ب- توجه به فرهنگ، آداب و رسوم و زبان اقوام ازجمله آموزش خط وزبان ترکمنی در مرکز آموزش عالی مطابق اصل ۱۵ قانون اساسی

ج- تقویت سهم اعتبارات پژوهشی و آموزش عالی استان و تقویت و گسترش شرکت های فن آور و دانش بنیان و حمایت از نخبگان استان در اجرای طرح آمایش آموزش عالی

۲. تأمین آب از دریای خزر به منظور جبران کمبودهای زیرساختی توسعه

پتانسیل استان: نظر به اینکه ظرفیت ۲٫۴ میلیارد مترمکعبی آبهای زیرزمینی و آبهای سطحی استان در آستانه بهره‌برداری کامل می باشد و با عنایت به رشد جمعیتی و برنامه های توسعه در حوزه های کشاورزی پیشرفته- صنعت- خدمات و شرب، نیازمند استفاده از آب دریای خزر به عنوان پتانسیل استثنایی در استان با شوری حداکثر ۴۳ درصد شوری آب دریاهای آزاد که با هزینه بسیارکم قابل تبدیل به آب شیرین می باشد.(توجیه کارشناسی و مستندات لازم موجود و قابل ارائه است)

۳. تبدیل وضعیت کشاورزی معیشتی به کشاورزی اقتصادی و تجاری

ضمن تقدیر و تشکر از حمایت های دولت تدبیر و امید در فعالیت های بخش کشاورزی و استمرار حمایت های سنواتی، حمایت و بسترسازی طرح های مشارکتی مدرن با سرمایه گذاری داخلی و خارجی با استفاده از فناوری و تکنولوژی پیشرفته در بخش کشاورزی با تأکید بر تولیدات گلخانه ایبزرگ و واحدهای پرورش آبزیان متراکم مورداستدعاست.

۴. منطقه آزاد تجاری اینچه برون با محوریت شمال شرق بمنظور توسعه تجارت خارجی

پتانسیل استان: وجود شهرک هزارهکتاری اترک با زیرساخت های تکمیل شده در شمال استان و همجواری شهرک مذکور با منطقه آزاد تجاری اینچه برون (درانتظار تصویب مجلس شورای اسلامی)، پیشنهاد اختصاص بخشی از شهرک مذکور به عنوان منطقه ویژه اقتصادی و استقرار صنایع متالوژی شامل فلزات رنگی و فولاد و وجود راه آهن سراسری ایران به کشورهای حوزه Cis در مجاورت منطقه ویژه و منطقه آزاد تجاری و امکان تأمین مواد اولیه از کشور قزاقستان با قابلیت صادرات آن پس از عمل آوری

۵. استقرار صنایع مادر به منظور ایجاد درآمد و اشتغال پایدار

پتانسیل استان: دارا بودن یک میلیون هکتار اراضی ملی کم بازده و کویری در شمال استان، مناسب برای استقرار صنایع مادر مورد تأکید و تصویب دولت- وجود نیروی انسانی تحصیل کرده- ضریب بالای بیکاری در استان- فقدان طرح صنعتی ملی عامل تولید و اشتغال- درآمد سرانه استان که ۵۳٫۵ درصد درآمد سرانه کشوری می باشد مؤید این موضوع است. (آمار مرکز آمار ایران)

۶. احداث جاده ساحلی در راستای تقویت و توسعه محورگردشگری

پتانسیل استان: وجود دریای خزر به عنوان یکی از فرصت های مهم گردشگری در استان- آزاد بودن سواحل دریای خزر در محدوده ۱۲۰ کیلومتری استان و عدم اشغال و تصرف آن توسط اشخاص- امکان استفاده از جاده ساحلی به عنوان کمربند سبز و محور گردشگری- دارای کاربردهای چندگانه ازجمله حفاظت از پیشروی و پسروی دریا، امکان استقرار فعالیت های گردشگری و امکان توسعه و تقویت بوم گردی با توجه به تنوع اقلیمی استان

۷. کمک و حمایت از احداث بندرگاه گمیشان به منظور توسعه تجارت و بازرگانی

پتانسیل استان: وجود مرز پل در استان گلستان- وجود جاده ریلی سراسری شمال- جنوب و کشورهای Cis در استان- وجود دریای خزر- اتمام مطالعات واگذاری زمین جهت احداث بندرگاه گمیشان- عامل تکمیل چرخه تبادل توسعه تجاری از طریق سه عامل: جاده ریلی، جاده ترانزیتی، حمل و نقل دریایی

۸. تسریع در اجرای راه آهن گرگان- مشهد

ضمن تقدیر و تشکر ازهیئت محترم دولت در تصویب طرح راه آهن گرگان- مشهد، تسریع در عملیات اجرایی مورد استدعاست.

۹. اجرای طرح های جلوگیری از تخریب جنگل ها و مراتع و تبدیل زمین های کشاورزی و حفاظت از محیط زیست استان

شرکت توسعه کشت دانه های روغنی گرگان در نظر دارد

در شهرستان گرگان از طریق مناقصه عملیات بوجاری و پاکت گیری و پارت چینی و همچنین نصب لیبل حدودا مقدار ۳۱۰ تن محصول بذری ناخالص سویا تولیدی سال ۱۳۹۶ را جهت استفاده بعنوان بذر با استانداردهای تعریف شده موسسه ثبت و گواهی بذر و نهال به پیمانکاران واجد شرایط در منطقه واگذار نماید علاقه مندان جهت فعالیت در این حوزه می توانند قیمت پیشنهادی خود را برای هر کیلوگرم محصول بذری حداکثر تا تاریخ ۹۶/۷/۳۰ به آدرس: تهران ـ خیابان قائم مقام فراهانی ـ نبش کوچه ۲۲ ـ پلاک ۱۳۰ ـ مدیریت بذر، تحقیقات و آموزش ارسال فرمایند. لازم به ذکر است کلیه دستگاههای مورد نیاز از طرف شرکت به پیمانکار واگذار خواهد شد. همچنین کلیه کسورات قانونی برعهده پیمانکار خواهد بود.

شرکت توسعه کشت دانه های روغنی گرگان در نظر دارد

در شهرستان گرگان از طریق مناقصه عملیات خشک نمودن حدودا ۳۱۰ تن محصول بذری سویا تولیدی سال ۱۳۹۶ را جهت استفاده بعنوان بذر واگذار نماید لذا علاقه مندان جهت فعالیت در این حوزه قیمت پیشنهادی خود را برای هر کیلوگرم حداکثر تا تاریخ ۹۶/۷/۳۰ به آدرس: تهران ـ خیابان قائم مقام فراهانی ـ نبش کوچه ۲۲ ـ پلاک ۱۳۰ ـ مدیریت بذر، تحقیقات و آموزش منعکس فرمایند. لازم به ذکر است کلیه کسورات قانونی برعهده پیمانکار خواهد بود.

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

خبر

ملت ایران دغدغه ای در حوزه تامین امنیت کشور ندارد

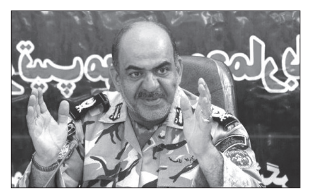

ارشد نظامی آجا در استان های گلستان و مازندران گفت: امروز ملت ایران به پشتوانه نیروی مسلح قوی و منسجم و حضور آنان در مرزهای زمینی، هوائی و دریایی هیچگونه دغدغه ای در حوزه تامین امنیت کشور خود ندارد. به گزارش ایرنا، امیر سرتیپ دوم مهدی معمارباشی در جمع کارکنان پایور و وظیفه تیپ ۲۳۰ سردار شهید اسدالله متاجی گرگان با اشاره به اینکه نیروهای مسلح از همه تحرکات دشمنان آگاه هستند، افزود: نیروهای مسلح در برابر هرگونه تحرک ضد منافع ملی ایستادگی می کنند. وی تصریح کرد: نیروهای مسلح از یاوه گویی های مردان روشنفکرنما با افکار استعمارگرانه هراسی ندارند و مقتدرانه درمقابل هرگونه تحرک ضد منافع ملی ایستادگی می کنند.معمارباشی گفت: کارکنان وظیفه ارتش نیروهای ولایت مدار و با ایمان هستند که در هشت سال دفاع مقدس، رشادت آنان برای همه به ویژه دشمنان به اثبات رسیده است. وی ادامه داد: سربازان، آزموده ترین فرزندان ملت ایران هستند که در نیروهای مسلح به عنوان بازوان قوی و پشتیبانان واقعی در خدمت به کشور و پا در رکاب ولایت خدمت می کنند.

کاهش سفارش های مردم باعث زیان دهی شرکت پست گلستان شده است

مدیرکل پست گلستان گفت: کاهش سفارش های مردم و استقبال نکردن از برخی خدمات پستی باعث برهم خوردن تعادل درآمد و هزینه ها و زیان دهی این شرکت شده است. به گزارش ایرنا، مهرداد جلالی اظهار کرد: گسترش فناوری های جدید مانند اینترنت و شبکه های مجازی مردم را از نامه نویسی، ارسال کارت پستال و دریافت برخی دیگر از خدمات پستی رویگردان کرده که نتیجه آن زیان دهی شرکت پست گلستان بوده است بطوریکه اکنون ۱۸ درصد نیروهای رسمی شرکت مازاد بر نیاز هستند. مدیرکل پست گلستان بر لزوم تقویت دوباره فرهنگ نامه نویسی در کشور اشاره کرد و گفت: فناوری های جدید و اینترنت در کشورهای اروپایی بسیار زودتر و بیشتر از ایران رواج دارد اما نامه نوشتن و ارسال کارت پستال همچنان رواج داشته و بخش عمده ای از فعالیت پست این کشورها مربوط به آن است. جلالی بیان کرد: در گلستان ۱۵۴ صندوق پست وجود دارد اما بسیاری از آنها در مراجعات روزانه کارکنان پست برای تخلیه صندوق ها خالی و به انباری برای پول های خرد مردم تبدیل شده است.وی به خدمات ارائه شده شرکت پست گلستان در سال ۹۵ اشاره کرد و گفت: پارسال ۶ میلیون و ۳۵۰ هزار عدد بسته از دفاتر این اداره کل به دیگر مناطق ارسال شد که از این تعداد ۹ هزار بسته به خارج کشور و مابقی در داخل کشور توزیع شد. مدیرکل پست گلستان به درآمد ۱۰۰ میلیارد ریالی این شرکت در استان اشاره کرد و گفت: این درآمدها از محل ارائه ۱۸۰ خدمت به دست آمد.

برگزاری کارگاه کشوری مراقبت از خانواده در طلاق

هفتمین کارگاه آموزشی مداخلات ویژه مددکاری اجتماعی در مراقبت از خانواده در طلاق با رویکرد مدیریت مورد ویژه مددکاران اجتماعی مراکز وکلینیک های مددکاران سراسر کشور در گرگان در حال برگزاری است. مشاور و قائم مقام مدیرکل بهزیستی گلستان در این کارگاه با اشاره به کارکردهای اجتماعی خانواده از جمله جامعه پذیری کودکان و بقای نسل، گفت: اولین حوزه ای که آسیب های اجتماعی آن را تهدید می کند خانواده است.حسن میرفندرسکی افزود: امروزه با پیشرفت وتغییرات سریع تکنولوژی بخصوص درعرصه ارتباطات که متاسفانه به سمت فردگرایی افراطی گرایش دارد ،بیشترین آسیب متوجه خانواده ها می شود زیرا در کشور ما به جای توجه به کارکرد اصلی آن بیش ازهرچیز به دنبال استفاده نامناسبت از تکنولوژی هستند.وی اضافه کرد: دراینصورت با تغییر زیرساخت های اجتماعی خانواده دچار تحول می شود درحالی که بین واقعیت وآن چیزی که باید باشد فاصله بسیاری بوجود می آید وبه دنبال آن کارکرد والدین ازجمله نقش والدگری تغییرپیدا می کند

خبر

دریاچه فارسیان شهرستان گالیکش ثبت ملی شد

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان از ثبت ملی دریاچه فارسیان گالیکش در فهرست آثار طبیعی کشور خبر داد. به گزارش تسنیم به نقل از روابط‌عمومی اداره‌کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گلستان، ابراهیم کریمی اظهار داشت: دریاچه فارسیان در ارتفاع ۱۵۱۲ متر از سطح دریاهای آزاد واقع شده و این دریاچه در اثر رانش زمین در بستر دره به وجود آمده که به گفته معتمدان روستای فارسیان که قدمت آن به بیش از ۲۰۰ سال بازمی‌گردد.وی افزود: طول دریاچه ۲۰۰ متر و عرض آن ۲۰ تا ۶۰ متر و عمق دریاچه از ۱ تا ۱۰ متر متغیر است و منابع تامین آب دریاچه چشمه‌ساران و روان آب‌ها تشکیل یافته است. مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان به ویژگی‌های این دریاچه اشاره کرد و افزود: از ویژگی‌های دریاچه فارسیان می‌توان به قرارگیری این دریاچه در ارتفاع ۱۵۰۰ متری از سطح دریاهای آزاد، موقعیت فرهنگی و تفرجگاهی دریاچه فارسیان به علت نزدیکی به جاده اصلی روستا بسیار حایز اهمیت است زیرا روستای فارسیان مرکز ارتباط چندین روستا بوده است. وی تصریح کرد: دریاچه فارسیان یک پدیده طبیعی بوده و در اثر رانش در داخل یک دره تشکیل یافته و از مناطق گردشگری شناخته شده در استان گلستان است که نه تنها در استان بلکه بسیاری از ساکنان استان‌های دیگر هم برای بازدید آن به این منطقه مراجعه می‌کنند. مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی گردشگری گلستان گفت: با توجه به اهمیت موضوع و با هدف حفاظت، معرفی، این اثر ارزشمند در جلسه کمیه میراث طبیعی شورای عالی ثبت آثار کشور که در سازمان مرکزی برگزار شده بود در فهرست میراث طبیعی کشور به‌ثبت رسید و لوح ثبت اثر پس از طی تشریفات قانونی به اداره کل ارسال خواهد شد.

روند افزایش گزش سگ و بیماری هاری در گنبدکاووس نگران کننده است

رئیس مرکز بهداشت گنبدکاووس با ابراز نگرانی از روند رو به رشد گزش حیوانات بویژه سگ های صاحب دار و ولگرد دراین شهرستان، می گوید: سالانه افزون بر دو هزار گزش گزارش می شود. به گزارش ایرنا، دکتر فرهاد بدیعی در جلسه کارگروه سلامت و امنیت غذایی گنبدکاووس اظهار داشت: آمار گزش سگ از ۱۷۰۲ مورد درسال ۱۳۹۰ به ۲۱۵۱ مورد درسال گذشته رسید. وی تعداد گزش در نیمه نخست امسال را نیز ۱۱۷۴ مورد اعلام کرد و گفت: بیشتر گزش ها نیز توسط سگ های صاحب دار در مناطق روستایی بوده که متاسفانه شب ها سگ ها را رها می کنند. دکتر بدیعی اضافه کرد: از مجموع افراد گزیده شده در سال های اخیر، دو سوم آن مرد و یک سوم زن بودند و سالانه گزش حدود ۵۰۰ دانش آموز گزارش می شود. وی بابیان اینکه هزینه واکسیناسیون و دیگر هزینه های نیروی انسانی برای هر مورد گزش سگ و جلوگیری از بیماری هاری بین پنج تا هفت میلیون ریال می باشد، اضافه کرد: علاوه بر اتلاف سگ های ولگرد باید آموزش های لازم به صاحبان سگ ها برای بستن آن صورت گیرد.رئیس مرکز بهداشت گنبدکاووس همچنین تعداد اتلاف سگ های ولگرد درنیمه اول امسال را ۵۴۲ قلاده اعلام کرد و یادآور شد: اتلاف سگ های ولگرد و بستن سگ های صاحب دار به همراه واکسیناسیون آنان باید با هم انجام شود زیرا علاوه بر تهدید سلامت مردم، هزینه های زیادی نیز به بیت المال تحمیل می کند.

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶
۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵

حافظ
حافظ
حافظ

معجونِ حافظ

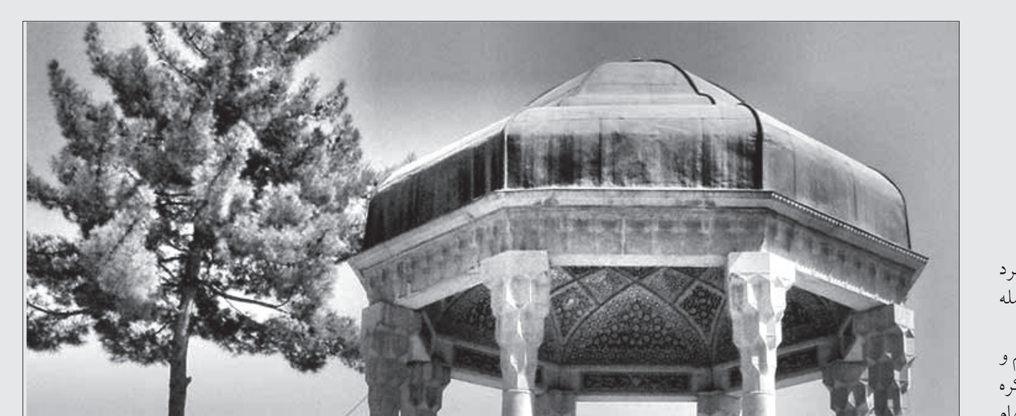

حسین عبدالوند–اما به واسطه ی محافظت درس قرآن و ملازمت تقوی و احسان و بحث کشاف و مفتاح و مطالعه ی مطالع و مصباح و تحصیل قوانین ادب و تجسس دواوین عرب،به جمع اشتات غزلیات نپرداخت».(محمدگلندام)

هنوز که هنوز است،حافظ تنها شاعر ماست که از قطعیت می گریزد و معنا و تعریف معلومی به خود نمی گیرد.در مورد زندگی اش چیزی مستند به دست نداده اند، فقط تعداد زیادی احتمال و افسانه !در مورد شرایط اجتماعی و سیاسی اش راحت تر می توان نظر داد..شیراز آن روزها،محیط آرامی نبوده و سال های بعد از ترکتازی مغولان ،درگیر و دار امراء و سلسله های مختلف بوده،پس شکی نیست که دوران پر آشوبی بوده است.حافظ تقریبا ۷ امیر و ۴وزیر را دیده و گاهی هم مدحشان را گفته است...پس به طور مستند می شود از تاریخ سیاسی و فرهنگی آن دوره ی شیراز در منابع خواند.از وضعیت بی ثبات آل مظفر،تا هجوم تیمور و شروع گورکانیان.اما در مورد زندگی [illegible]

۱_به راستی حافظ طلایه دار غزل فارسی ست،او تمهیدات بسیاری دارد تا شعرش را ممتاز کند.در خیلی از پیشنهادات اولی محسوب می شود.از مفاهیم(مانند رند) تا آرایه(ایهام).

رند همزمان به جنبه ی عرفانی و اجتماعی و سیاسی در شعر حافظ می رسد.و این معنای ایهامی،شاعر را در معنای جزیی،انسانی معترض می شناساند که در کنایاتش به کمک چنین واژگانی،به طنزی منحصر به فرد می رسد.و در معنایی کلی ،به قول بسیاری از حافظ شناسان،از جمله بهار_اشاراتی سیاسی در خود دارد.

۲_در مورد بخش دوم که ایهام است،بسیار گفته اند .کوتاه می گویم و می گذرم.این شاخصه ی برجسته ی شعر حافظ،همیشه تازگی و باکره گی خود را دارد.در اشعار شعرای قبل و بعد حافظ،به نسبت با ایهام رو به رو می شویم،اما هیچ کدام به هوشمندی حافظ این تمهید را به کار نمی گیرد.بعد از حافظ هم که شعرا با مثال حافظ و درک او ،سراغ ایهام می روند به قدرت او نمی رسند...شاید دو چهره ی نزدیک را بشود از شعرای موسوم به سبک هندی بیرون کشید .شاید بیدل دهلوی و سلیم تهرانی!

در مورد هوش او ، و در مثالی که بشود ذیل این مقوله محسوبش کرد،همین معلوم نبودن مذهب اوست که سالها محل مناقشه بوده است. محمد قزوینی با تاسف از سنی بودن او می گوید و کریمسکی اما او را یک شیعی تمام عیار می داند..

۳_حافظ با همان تسلط در ایهام ،صاحب لحن هم می شوددر آفریدن لحن نیز استثناست. از کوچکترین عضو نحوی استفاده می کند تا لحن بیافریند.در سبک شناسی محمود فتوحی این مثال را می بینیم.

به این مثال دقت کنیم و حرف«که»:

بگیر طره ی مه چهره ای و قصه مخوان
که سعد و نحس ز تأثیر زهره و زحل است

الف:اگر پایان مصرع نخست را با تکیه و خیزش به مصرع دوم وصل کنیم _که_حرف ربط تأویلی ست و بیت لحن فعال دارد

ب:اگر با درنگ و فرود ،مصرع نخست را پایان ببریم_که_ حرف ربط علّی ست و بیت لحن منفعل و جبر گرا دارد.

و حال یک مثال دیگر:

به غلامی تو مشهورِ جهان شد حافظ
حلقه ی بندگیِ زلفَ تو در گوشش باد

بیتی مدحی !

در قرائت اول و لحظ کردن بی درنگ _حافظ_بیت هیأت مدح به خود می گیرد. و در شکل دوم از قرائت ،کافی ست_حافظ_را منادا بگیریم(ای حافظ) آنوقت معنا ذم و کاملا برعکس می شود..این پیوند ایهام و لحن مختص به حافظ است.

۴_حرف مدح شد..از آغاز شعر فارسی تا مشروطه،شاعران مدح کننده بوده اند و هر شاعری ممدوحانی نیز داشته،از ابتدا قالب قصیده ،به عنوان بستر مناسب مداحی شناخته می شود اما...حافظ به عنوان نخستین نفر،مدح را از قصیده به غزل می کشاند و در عین حال موفق!

یان ریپکا با توجه به نظر رومر به این قضیه چنین می پردازد:

»..وی غزل را به جای قصیده به کار می برد،ولی اهمیت این شیوه در کاستن تعداد ابیات نیست ،بلکه در آن است که مدیحه را به یک یا دو بیت محدود ساخته و از عشقیات و خمریات غزل برای بیان شاعرانه ی روابط خود با ممدوح و همچنین ذکر رویدادهای خارجی سود می جوید.نتیجه ای که از این کیفیت حاصل می شود آن است که،برای تفسیر شعر حافظ،باید استعاراتی را که از سنت های خمریات و عشقیات برگرفته شده، به دنیای واقعیات باز گرداند؛معشوق همان ممدوح است ».

۵_همگی می دانیم حافظ بسیار به شعر گذشتگان و به خصوص همعصرانش توجه داشته است و بسیاری از شواهد شعری اش را از آنها گرفته است..اما او به قول ابو هلال عسکری ،لباس تازه ای بر تن شعر پیش تر گفته شده می پوشاند و مطلب را شایسته تر ادا می کند. حافظ با هوش بسیار و تمهیداتی که با خود می آورد،نامی ماندگار از خود جا گذاشته است..چنان که بعد از او تمام مقلدانش نتوانسته اند،درصدی از آن تجربیات را تکرار کنند.امیر علیشیرنوایی ۹۰۶ه.ق،۲۱۳ غزل را با همان قافیه و ردیف و وزن،به استقبال حافظ می رود،اما چیزی به جز تقلید نیست و چیزی از سبک و بیان فردی درآنها نیست. بعدتر،شاعران بازگشت،هرکدام با انتخابی صدتایی این کار را می کنند که شاید سبک و سیاق گذشتگان ،که بیشتر حافظ و سعدی اند،زنده کنند_اما در نهایت به قول معروف کاریکاتوری بیش نیستند و این واپس گرایی و قهقرایی به سود هیچ کدامشان تمام نمی شود.در این میانه مدعیان بسیاری هم بوده اند که کوس رقابت و همسانی با حافظ سرداده اند.می شود شهریار را همین اواخر مثال زد،که معتقد بوددر صد غزلی که به پیشباز حافظ رفته است،چیزی کم تر ندارد و گاه بهتر از حافظ هم سروده است.

حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود

حافظ شیرازی و زبان فراگیر او

آزاده حسینی-یکی از دلایل ماندگاری حافظ و شعرهایش، مولفه ی «عامه پسندی» است. و این در حالی است که حتی عامه پسندترین شعرهایش نیز از مفاهیم عمیق عرفانی، و نوع نگاه سیاسی و اجتماعی بدور نیستند. «هر کسی از ظن خود» یارش می گردد و غم ها و آرزوهایش را در آن می یابد. با تاویل های گوناگون هنوز در سفره هفت سین و شب یلدای ایرانیان می درخشد و از کرسی استادی تا نوجوانی عاشق پیشه دل در گرو او دارند که «چون خورشید انجم سوز تنها بر هزاران زد». هستی و عشق را گرد هم می آورد و «چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد» و می زند. آنچه مورد قضاوت چشمان بی رحم و تیزبین تاریخ قرار می گیرد بی گمان فراتر از عامه پسندی و دل خوشایندی است. چه اینکه اگر اینگونه باشد بسیار شعرها در دامنه های کوهستان ادبیات ما مانده اند که در زمان خود شهره بودند و البته بسیارها که دیگر حتی نامی از ایشان نیست. اما یکی از رازهای حافظ بیان عمیق ترین مفاهیم در یک فراز و به چند زبان است. طنز و عرفان را به هم می آمیزد و با زبان مردم حرف می زند. طنز را که پیش ترها استاد پرویز ناتل خانلری اشاره داشته اند و بعدتر بزرگواران دیگری به آن پرداخته اند. سخن که به طنز آمیخته شود جلوه مردمی آن بیشتر شده و ارتباط آسان تری با مخاطب می گیرد. و از معضل مخاطب گریزی اش می کاهد. و همچنین گزنده ترین حرف های سیاسی زمان خویش را می زند، به شیرینی مطرح می کند. از جمله بیت های طنزگونه ی حافظ:

«گفت: خود دادی به ما دل حافظا
ما محصل بر کسی نگماشتیم»
«وقت است کز فراق تو وز سوز اندرون
آتش درافکنم به همه رخت و پخت خویش»
«آن کو تو را به سنگدلی کرد رهنمون
ای کاشکی که پاش به سنگی برآمدی»

و یا:

«دوش می‌گفت به مژگان سیاهت بکشم
یارب از خاطرش اندیشهٔ بیداد ببر»

که دو مثال اخیر، دعایی نیز هستند. اشاره به «دعا» در شعرهای حافظ از جمله مواردی است که با در برداشتن مفاهیم عرفانی و دینی، مورد پسند نگاه عمومی نیز قرار می گیرد. کلیدی که خداوند دست بشر نهاده و با آن می توان دریچه ای به عرش گشود.

«دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای
فرشته ات به دو دست دعا نگهدارد»
«یا رب این آتش که در جان من است
سرد کنز انسان که کردی برخلیل»
«دلا بسوز که سوزتوکارها بکند
دعای نیم شبی دفع صدبلا بکند»
«دعای گوشه نشینان بلابگرداند
چرا به گوشهٔ چشمی به ما نمی نگری»
«دعای صبح وآه شب کلیدگنج مقصوداست
بدین راهور و شمی‌روکه با دلداده بپیوندی»
«ای گل خوش نسیم من بلبل خویش رامسوز
کزسرصدق می‌کندشب همه شب دعای تو»
«دل خرابی می کند دلدار را آگه کنید
زینهار ای دوستان جان من و جان شما»

دیگر کاربردهای زبان مردم در شعر حافظ به کارگیری الفاظی است که در گفتگوی روزمره یافت می شود. اگرچه ازین دیدگاه سعدی نمونه هایی فراوان تر دارد. اما در حافظ نیز نمونه هایی منحصر به فرد داریم که حتی اگر جنبه تفال به اشعارش را در نظر نگیریم باز هم وجه مردم پسندی خود را از گذر قرن ها از دست نداده است.

مانند «قربان شما»:

«دور دار از خاک و خون دامن چو بر ما بگذری
کاندرین ره کشته بسیارند قربانِ شما»

و در همان غزل، «جان من و جَان شما»:

«دل خرابی می کند دلدار را آگه کنید
زینهار، ای دوستان جان من و جانِ شما»

اصطلاح «پیر شی انشاا...» در عبارتِ «به پیری برسی»:

«عمر بگذشت به بی‌حاصلی و بوالهوسی
ای پسر جام می‌ام ده که به پیری برسی»

«نوشت باد» و «نوشش باد»:

«به جرعه تو سرم مست گشت نوشت باد
خود از کدام خم است این که در سبو داری»
«نرگس مست نوازش کن مردم دارش
خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد»
«صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد
ور نه اندیشه این کار فراموشش باد»

(که البته به طنز«باده نوشی» صوفی رابه شرط «به اندازه بودن» جایز دانسته)از اصطلاحات مردمی دیگر می توان به «خون به گردن» اشاره داشت که حافظ می فرماید:

«نخست روز که دیدم رخ تو دل می‌گفت
اگر رسد خللی خون من به گردن چشم»

و یا غزلی با ردیف «یعنی چه؟»

«ناگهان پرداخته برانداخته ای یعنی چه؟»

یعنی چه؟ چه معنا دارد؟ قصدت چیست؟ که با زبان مردمی شکایت می کند از «شاه شجاع» و او را مورد خطاب و عتاب قرار می دهد. سابقه ی مردم دار بودنش را یادآور می شود و بعد نیرنگ بازی ها و حقه بازی هایش را به رخ می کشد:

«هر کس از مهره ی مهر تو به نقشی مشغول
عاقبت با همه کج باخته ای یعنی چه؟!»

در این روزگار وانفسای شعر که چه خوب است همه شاعر شده ایم و کمی ناخوب از شناخت فن بدور می افتیم؛ نگاهی دوباره به اشعار حافظ کمک شایانی به وارستگی و بالاتر بردن سطح سلقیه ی مخاطب و آگاهی عمومی می تواند باشد. حافظ را همه می شناسند. شعرهایش را از بر می کنند و حتی کتاب نخوان ترین مردمان نیز فالی به اقتضایی از آن می گشایند. می توان از همین مولفه برای تحول در سلیقه ی مخاطب بهره برد و با قرار دادن واحد حافظ خوانی در مدرسه و آموزشگاه ها تجربه ای متفاوت در شناخت شعر ایران آزمود. با گنجاندن هر ماه یک غزل در یک سال تحصیلی، نُه غزل حافظ در برنامه درسی مدرسه و دانشگاه نه تنها آسیبی به ساعت آموزشی نمی زند بلکه نرمشی برای ذهن و آماده سازی مفاهیم دیگر است. این کمترین کاری است که در جنبه های عمومی ادبیات می تواند صورت پذیرد و در انجمن ها و جوامع خاص ادبی که البته برنامه های خود را دارند. و برنامه ی دیگر، پیشنهاد حفظ تعداد خاصی از ابیات یا غزل های حافظ است، مگر نه اینکه «حافظه ی ماست»! در گذشته شاعر مکلف به حفظ کردن تعداد معینی از اشعار بزرگان بود. می توان با نگاهی به گذشته و برنامه ای فکر شده، حفظ برخی شعر ها را بعنوان «معیار» در برنامه ای مدون گنجاند و چرا این شعرها از «حافظ»نباشد؟

حافظ یکی از دم دست ترین و نادیده گرفته شده ترین گزینه هاست. همواره پیش روست و دریغا که سال به سالی به بهانه ای اگر گشوده شود. به دلیل سرشاری مفاهیم عرفانی و اجتماعی بدون دانستن برخی کلیدها عبور از آن کمی نا آسان است و گاهی فقطحس شعردوستی عمیق ایرانی است که مخاطب را تا پایان غزلی می کشاند و درک معنی در سطوح زیباشناسی ظاهری باقی می ماند.

ارسال المثل های زیبایش را می توان در مکالمه های روزانه گنجاند و با برنامه ای هدفدار و نظام مند، رسانه ها و سریال های تلویزیونی در متن و دیالوگ خود می توانند از آن بهره گیرند. مثلا هنگام نگرانی ها و اشاره به توکل می توان گفت:

«تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار
که رحم اگر نکند مدعی خدا بکند»

و اینکه خداوند پاسخ همت ما را می دهد و نیازی به چشم امید داشتن به بندگان خداوند نیست:

«تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن
که دوست خود روش بنده پروری داند»

و به همین ترتیب مثال هایی ازین دست که بسیارند و بارها اشاره شده و تنها نیازمند همکاری نهادهای مسئول و برنامه ای هدفمند اجرایی است.

فقدان اندیشه نو آیین خواجه شیراز

مظاهر شهامت- درباره شعر، اندیشه و شخصیت اجتماعی حافظ شیرازی و تاثیرات آن بر شعر و اندیشه ادبی –اجتماعی در دوره‌های مختلف، آنقدر گفته‌اند و نوشته‌اند که هر اظهار نظری با منظور سخنی تازه درباره او، در شبکه‌ای از تکرار یا هراس از آن گرفتار می‌ماند. هم، در دوره معاصر نقد و تاریخ ادبیات فارسی طی دهه‌های زمانی متوالی، موضوع حافظ و اشعار او به‌عنوان مرکز دید و نظر بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته که نتیجه تحقیق و پژوهش آنها حتی در حد اغراق و سماجت، باعث گسترش نشر وسیع آثار حافظ و حجم فراوانی از نتایج شرح و تفسیرآن شده است که گاهی سبب‌ساز بدفهمی از واقعیت جایگاه او و آن نیز شده است، به‌طوری که در فضای تقدس‌آمیز حاصل، گفتن سخنی دیگر و ناسازه از او و مرتبت آثارش، به‌شدت قابل تکفیر و نکوهش می‌نماید. به عبارت دیگر، رفتار اسطوره‌سازانه و بزرگ‌نمایی عامدانه و شیفته‌وار درباره حافظ و فراهم کردن سیلی از تعارف و تمجیدهای آمرانه از او، در عین حال، هراس از نزدیک شدن به حقیقت جهان آثار وی و کوشش برای درک صحیح‌تر آن را نتیجه داده است. اما اگر بتوان از این همه حجم تبلیغات به نفع او که در سایه سنگینی اسامی مدعیان و مددسازان دینی–تاریخی که او را به آسمان‌های لایتناهی گره زده و با لقب شایع لسان‌الغیب چنان مقامی را به وی داده‌اند که بازگشت از پذیرش آن، در حکم ارتداد تلقی می‌گردد، رها شد، در آن صورت شناخت آسوده حافظ در وجهی واقعی‌تر ممکن خواهد شد. در این صورت با کسی روبه‌رو هستیم که در حوزه مجموع فضای اندیشه‌پروری تاریخی ایران، متاسفانه جایگاه نادری ندارد. آثار او یک میراث تاریخی برای ما است که ممکن است به مانند آثار مشابه، دستخوش تغییرات و تحریفات گسترده‌ای هم شده باشد که در این صورت، امر انتساب خیلی از تفاسیر به او را بیهوده خواهد کرد و ممکن است با حقیقت امر منافات داشته باشد اما به‌هر روی، ما ناچار هستیم به همین ماترکی که به دستمان رسیده است و به ادعای مدعیان در صحت و سلامت آنها اعتماد کرده و مالکیت او را بر آنها بپذیریم. در این صورت، نتیجه تدقیق و نقد آسوده این آثار، نشان می‌دهد که با وجود تبدیل شدن آن به یک امر اجتماعی وسیع، فاقد آن قدرت نوآوری در حوزه‌های مختلف فکری و آماده‌سازی آن در راستای آگاهی‌بخشی عمومی برای حصول یک بسترسازی مطمئن است که بتواند به یک امر ممیز در عمل اندیشیدنی نوین، تبدیل شود؛ به عبارت روشن‌تر، هیچ دستگاه و سامانه فکری متمایزی را نمی‌توان به حافظ نسبت داد که بانی مالکیتی خاص به‌نام وی بوده باشد. در نهایت، زبان حافظ زبان گویای التقاطی تفکرات آماده و مکرر زمان خود و تاریخ ماقبل خود بوده است، بی‌آن‌که حتی نسبت به آن میل نقادانه شدیدی را اعمال کرده باشد. منظورم از نقادی، البته درک موضوع با پیشنهاد مشروح جایگزین شونده یک اسلوب فکری تازه با بنیان‌های متفاوت است که در واقعیت اندیشه حافظ نمود پیدا نکرده است و به این سبب موضوع «انداختن طرحی نو» به‌عنوان یک ایده هیجان‌انگیز، در عمل، یک ادعای صرف باقی مانده است. اما اگر از این خلاصه که در جای خود نیازمند یک تحلیل وسیع و با دقت بیشتری را می‌طلبد، بگذریم اذعان داریم که خوانش اشعار حافظ، همیشه به‌عنوان یک روح فریبا و لذت‌آور و اعتمادبخش در میان عمومیت جوامع انسانی موخر، حضوری مشهور داشته و هنوز هم دارد و باعث تحریک هیجانات و روحیه شادمندانه و شکیبایی فردی و اجتماعی شده است که گاهی عظمت آن بسیار حیرت‌آور و شگفتی‌ساز هم بوده است، چرا؟ به باور من، حافظ اما با توضیحی مشخص یا نامشخص به خود خویشتنش، به سبکی در بیان و سرایش شعرهای خود دست یافته و آن را در کار خود پیشه کرده است که می‌توان آن را با همان مفهوم «رندانگی» مشهور، بازتعریف کرد. من از بسیاری از تعریف و توضیح‌های متداول این مفهوم می‌گذرم و سعی می‌کنم آن را به‌طور خلاصه درک ناگهانی لذت در آن (لحظه) زمان و ارائه آن به همان شکل اولیه تعریف کنم. متعلق بودن به چنین صفتی، البته که از پیروی کردن از لزوم اطاعت از یک باور مشروح منسجم قانونمند به هستی و اجتماع، قابل حصول نیست، چراکه هر باوری نظام‌مند، در عین‌حال، ساختاری تخطی‌ناپذیر از فرامین هشدارآمیز را در بطن خود دارد که مدام به رخ خواهد کشید. «رندانگی» حاصلی از مستانگی است که قید آزادی خویش را، در لحظه لحظه زمان بیان، مطلقا محقق می‌سازد. همین اتفاق است که باعث شده که حافظ در شعرهای خود، برای حفظ آن آزادی به‌صورت جدی به وقوع امر پیامد و پیگیر در حتی هر شعر مستقل خود بی‌اعتنا مانده است. نتیجه این سبک، بروز آن شادمندی بی‌پایان در اشعار حافظ بوده که روح به ستوه آمده مردم ایران از استبداد تاریخی هر امر جدی را نوازش کرده است و سبب‌ساز چنان اعتمادی شده تا بسیاری از سرنوشت خود را بی‌هیچ نگرانی به فال شعرهای او بسپارد؛ یعنی کیفیت شعر و روحیه مردمانی حاصل از دورانی خاص، در یک تصادف پر میمنت، به یک مناسبتی آرامش‌پذیر رسیده است!

حاشیه‌نویسی بر حافظ

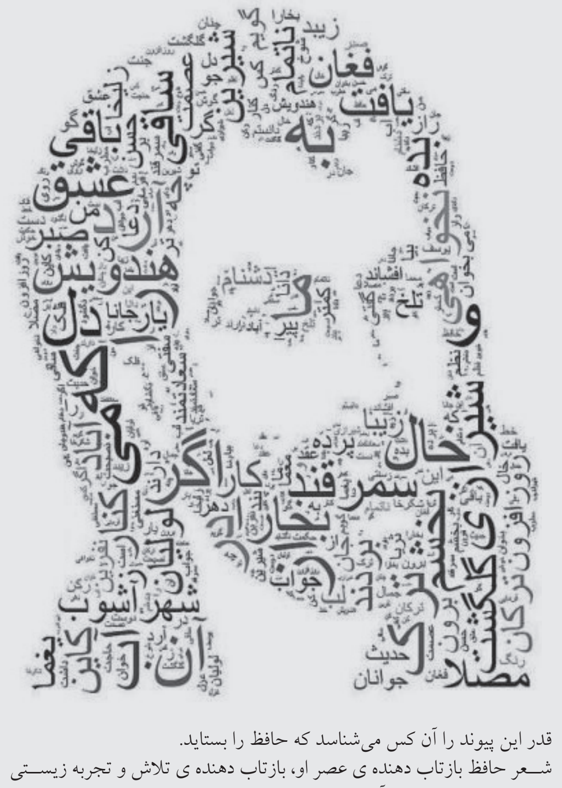

اسماعیل قنواتی ـ در میان همه ی هنرها شعر و آواز جایگاه دیرینه ای در پیشینه ی فرهنگی ایران داشته اند، شعر در تمامی اجزای زندگی مردم نفوذ و ورود داشته است، از زمان کار گرفته تا زمان استراحت از زمان عشق ورزیدن تا زمان جنگیدن، از زمان جشن تا اندوه و مبارزه با ظلم و استبداد شعر حضور پر رنگی داشته است. اما شاعرانی که از زمانه خود فراتر بروند، شاعرانی که از روح متبلور بر زمانه خود و از وصف دلپذیر معشوق گام فراتر بگذارند بسیار نیستند، حافظ یکی از این اندک هاست. آری شعر حافظ فال جامعه ایرانی است، اما نه به این دلیل که نیروهای فراواقعی در کار است، بلکه از این رو که قصه ها و وقایع روزمره جامعه خویش را می شناسد. بدینسان می توان گفت حافظ از هر شاعر دیگری زمینی تر است و با زمینه ی پدیده ها و رخدادهای پیرامون خویش آشناست و هم از اینروست که انسان ایرانی وضعیت های گوناگون زیستی خود را در دیوان او می یابد. شعر حافظ شعری رندانه است، او واژه ها و نیروهای درونی شان را می شناسد، زبان در شعر حافظ فراتر از کاربرد واژه هاست، بلکه با بازی های زبانی، زبان را نیز بازی می دهد تا به وضعیت مقصود و لحن دلبخواه خویش دست یابد. اینگونه است که شعر حافظ می شود شعری که دایره تاویل وسیعی دارد، حافظ این وسعت را بخدمت می گیرد تا هستی شناسی رندانه خویش را شکل بخشد. در فلسفه و حکمت نظریه ای هست که می گوید جهان بازتابی از نور آسمانی است، حافظ در مقابل این رویکرد می ایستد و می گوید:

زین آتش نهفته که در سینه من است
خورشید شعله ای ست که در آسمان گرفت

و اینگونه مرکز فهم هستی شناسانه را از آسمان به خود منتقل می کند. حافظ هستی را می گشاید، این گشودن همواره در درون هستی دیگری رخ می دهد که هستی شعر حافظ است، در دل این هستی همواره قهرمانی وجود دارد که در مقابل رازوارگی، معنا یا بی معنابودگی زندگی می ایستد و این باز خود حافظ است که برای بازتعریف زندگی معمولا در سطر پایانی مانند یک قهرمان زاییده می شود و می میرد، بدینسان رویارویی با این حافظ که نامه اش را از خون دل نوشته است، جانِ دل می طلبد. بیهوده نیست که گوته درباره حافظ می گوید:

سخن را عروس نامیده‌اند
و اندیشه را داماد،

قدر این پیوند را آن کس می‌شناسد که حافظ را بستاید.

شعر حافظ بازتاب دهنده ی عصر او، بازتاب دهنده ی تلاش و تجربه زیستی انسان ایرانی برای بیرون آمدن از زیر ظلم استبداد دینی و تمامیت خواه است.

عده ای که تفکر دگماتیسم و غیر مستقل داشته اند همواره سعی کرده اند حافظ را به عنوان چهره ای مذهبی یا عرفانی به مردم بشناسانند، این تلاش برای این است که متن حافظ را از تاثیرش تهی کنند. خصلت های عرفانی، خصلت های فردگرایانه، سربزیر و کنج عزلت گیرانه است، اما شعر حافظ شعری سرکش است، شعر حافظ هستی را به پرسش می گیرد. با نگاهی به شخصیت های پسندیده و ناپسند در شعر حافظ نیز می شود فهمید دغدغه دینی و مذهبی در متن او مطرح نیست. یکی از شخصیت های محبوب حافظ «رند» است، رند در ادبیات کهن فارسی به معنای منکر، لاابالی و بی قید و بند می باشد، از آن سو چیزی که حافظ مورد نقد قرار می دهد شخصیت های دینی و مراکز تجلی قدرت شان مانند زاهد، صوفی،عارف، واعظ، محتسب، صومعه، مکتب و ... هستند. بنابراین دور از منطق می نماید که بخواهیم شعر حافظ را مذهبی یا عرفانی بپنداریم.